

## حسابداری سبز شرکتی در راستای پایداری: مروری بر رویکردهای تئوریک

علیرضا حیدری ۱ علی لعل بار ۲

### چکیده

حسابداری سبز شرکتی به عنوان یک رویکرد نوین در حسابداری، به ارزیابی و گزارش‌دهی اثرات زیست‌محیطی فعالیت‌های اقتصادی و تجاری پرداخته و نقش مهمی در ترویج پایداری در سازمان‌ها دارد. این مقاله مروری به بررسی رویکردهای تئوریک مختلف در زمینه حسابداری سبز و ارتباط آن با پایداری سازمانی می‌پردازد. در ابتدا، تاریخچه و پیشینه توسعه حسابداری سبز بررسی شده و سپس نظریه‌های مختلفی که بر این حوزه تأثیرگذار بوده‌اند، از جمله نظریه‌های نهادی، تئوری سهامداران و رویکردهای مبتنی بر عملکرد پایدار، مورد تحلیل قرار می‌گیرد. علاوه بر این، مقاله به بررسی ارتباط بین حسابداری سبز و ابعاد مختلف پایداری مانند پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی می‌پردازد و نشان می‌دهد که چگونه این رویکرد می‌تواند به شرکت‌ها در دستیابی به اهداف پایداری کمک کند. در نهایت، نتایج این مرور به ارائه توصیه‌هایی برای محققان و مدیران در راستای بهبود گزارش‌دهی زیست‌محیطی و ارتقای عملکرد پایدار سازمان‌ها می‌پردازد. این مقاله بر اساس مطالعات اخیر و تحولات در حوزه حسابداری سبز، به عنوان یک ابزار استراتژیک برای ایجاد شفافیت و ارزیابی اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی فعالیت‌های شرکت‌ها در راستای دستیابی به توسعه پایدار معرفی می‌شود.

**کلمات کلیدی:** پایداری، حسابداری سبز، مدیریت منابع، استراتژی‌های زیست‌محیطی

۱ دانشجوی کارشناسی ارشد، حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران

alirezahyd۷۴@gmail.com

۲ استادیار گروه حسابداری، دانشگاه آزاد اسلامی، اراک، ایران for\_lalbar@yahoo.com

## مقدمه

مشکلات روزافزون آلودگی، آسیب به محیط‌زیست و سوءمدیریت منابع طبیعی در کشورهای مختلف، شرکت‌ها را به پذیرش روش‌های توسعه پایدار برای عملیات و تولید سوق داده است. مدل رشد توسعه پایدار بر اساس نظریه استوار است و ارتباطی قوی بین توسعه اقتصادی و زیست‌محیطی را مطرح می‌کند. اقتصاد محیط‌زیست (بر اساس نظریه آثار جانبی) فرض می‌کند که عملیات اقتصادی شرکت‌ها تأثیر زیادی بر محیط‌زیست دارند. بنابراین، شرکت‌ها باید در حفاظت و مدیریت محیط‌زیست مشارکت کنند. تعهد شرکت‌ها به توسعه پایدار که فراتر از سودآوری کوتاه‌مدت است و رویکردی جامع شامل پایداری اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی را در بر می‌گیرد، به ابزاری اساسی در مدیریت استراتژیک جهت‌گیری کارآفرینانه تبدیل شده است (ایهینین و ایگیمای<sup>۱</sup>، ۲۰۲۲).

حسابداری سبز شرکتی به عنوان یکی از رویکردهای نوین در دنیای اقتصادی و مالی، اهمیت فزاینده‌ای پیدا کرده است. این شاخه از حسابداری که به ارزیابی و مدیریت اثرات زیست‌محیطی فعالیت‌های شرکت‌ها می‌پردازد، در سال‌های اخیر توجه بسیاری از پژوهشگران و فعالان اقتصادی را به خود جلب کرده است. به ویژه در دهه اخیر، با افزایش نگرانی‌ها در مورد تغییرات اقلیمی و ضرورت کاهش گازهای گلخانه‌ای، استفاده از مدل‌های استاندارد برای اندازه‌گیری و گزارش‌دهی اثرات محیطی فعالیت‌های شرکت‌ها به عنوان یک الزام جهانی مطرح شده است. این رویکرد به شرکت‌ها کمک می‌کند تا علاوه بر کاهش اثرات منفی زیست‌محیطی خود، شفافیت بیشتری در زمینه عملکرد مالی و استراتژی‌های پایدار خود ایجاد کنند (سازمان منابع جهانی<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲).

حسابداری سبز در واقع به ارزیابی اثرات زیست‌محیطی بر روند مالی و عملکرد اقتصادی شرکت‌ها پرداخته و به آن‌ها کمک می‌کند تا فعالیت‌های خود را به گونه‌ای مدیریت کنند

---

۱ Ayinien & Igimai

۲ World Resources Institute

که نه تنها به کاهش اثرات منفی زیست‌محیطی منجر شود، بلکه باعث تقویت موقعیت رقابتی آن‌ها در بازار جهانی گردد. این امر با استفاده از چارچوب‌های استاندارد گزارش‌دهی گازهای گلخانه‌ای و تحلیل اثرات محیطی، برای سرمایه‌گذاران و ذینفعان دیگر شفافیت ایجاد می‌کند (گریف<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱).

در نهایت، پیاده‌سازی اصول حسابداری سبز می‌تواند منجر به بهبود عملکرد مالی شرکت‌ها در بلندمدت و تطابق آن‌ها با الزامات زیست‌محیطی جهانی شود، در حالی که باعث ایجاد رقابت‌پذیری بیشتر در بازارهای جهانی خواهد شد. در این راستا، تحقیقات و مدل‌سازی‌های حسابداری سبز برای ارزیابی و پیش‌بینی اثرات اقتصادی و زیست‌محیطی به یک ابزار حیاتی برای بسیاری از شرکت‌ها تبدیل شده است (لوپز و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۳).

در این پژوهش ابتدا، تعاریف پایداری و حسابداری سبز شرکتی و چگونگی پیاده‌سازی آنها در شرکت‌ها بررسی می‌شود. سپس، ارتباط میان این دو مفهوم با عملکرد مالی شرکت‌ها و چگونگی تاثیرگذاری آن بر نتایج مالی همچون سودآوری، رشد و ارزش بازار تحلیل می‌شود.

### **پایداری شرکت**

پایداری شرکت به طور گسترده‌ای از دیدگاه‌های مختلف تعریف شده است. از دیدگاه نظریه سه‌گانه "خط پایین"، پایداری به سه بعد اقتصادی (سودآوری)، اجتماعی (مردم) و زیست‌محیطی (سیاره) تقسیم می‌شود، به طوری که شرکت‌ها باید در کنار تمرکز بر سود، به مسائل اجتماعی و زیست‌محیطی نیز توجه داشته باشند (پرایس واترهاوس کوپرز<sup>۳</sup>، ۲۰۲۰). در تعریف مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها، پایداری به معنای تعهد

---

<sup>۱</sup> Gereffi

<sup>۲</sup> Lopez et al

<sup>۳</sup> PricewaterhouseCoopers

شرکت‌ها به رعایت حقوق ذینفعان و فعالیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی است که فراتر از قوانین و مقررات موجود می‌رود و هدف آن بهبود شرایط اجتماعی و زیست‌محیطی می‌باشد (وارنر<sup>۱</sup>، ۲۰۲۱). همچنین از دیدگاه سرمایه‌گذاران و بازار، پایداری به معنای توانایی شرکت در دستیابی به اهداف مالی بلندمدت و در عین حال رعایت مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی است، که باعث بهبود شفافیت، کاهش ریسک‌های بلندمدت و ارتقای شهرت شرکت در بازار می‌شود (مارتینز و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۲).

در نهایت، از منظر سیستم‌های زیست‌محیطی و اجتماعی، پایداری به معنای هم‌راستایی عملکرد شرکت با اهداف توسعه پایدار است که به طور خاص شامل حفظ منابع طبیعی، کاهش آلودگی و حمایت از جامعه برای تأمین نیازهای نسل‌های آینده می‌باشد (تینر و همکاران<sup>۳</sup>، ۲۰۲۳). این تعاریف نشان می‌دهند که پایداری شرکت‌ها تنها به عملکرد مالی آن‌ها مربوط نمی‌شود، بلکه ارتباط تنگاتنگی با نحوه تعامل شرکت‌ها با محیط زیست و جامعه دارد و به پیاده‌سازی استراتژی‌هایی نیاز دارد که در سه بعد اجتماعی، زیست‌محیطی و اقتصادی به بهبود عملکرد بلندمدت شرکت‌ها کمک کند.

پایداری شرکت به موضوعات پیچیده‌ای مانند حفاظت از محیط زیست، مدیریت منابع انسانی، سلامت و ایمنی در محل کار، روابط با جامعه و تعاملات با تامین‌کنندگان و مشتریان می‌پردازد. این فعالیت‌ها نه تنها موجب بهبود شهرت و رضایت ذینفعان می‌شود بلکه ریسک مالی را نیز کاهش می‌دهد. شرکت‌ها در چارچوب اجتماعی و براساس هنجارها و ارزش‌های پذیرفته‌شده عمل می‌کنند و این رویکرد جنبه جامعه‌شناختی مسئولیت‌پذیری اجتماعی و فعالیت‌های پایدار را نشان می‌دهد. در عین حال، نظریه قرارداد و دیدگاه سهامداران همچنان در این زمینه غالب است. رویکرد سه‌گانه "خط

---

<sup>۱</sup> Warner

<sup>۲</sup> Martínez et al

<sup>۳</sup> Tiner et al

پایین " مفهوم عملکرد پایدار را از سه بعد اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی تحلیل می‌کند. شرکت‌ها باید همانطور که بر سود تمرکز دارند، بر مسائل اجتماعی و زیست محیطی نیز توجه کنند. این سه بعد عملکرد، شامل استفاده بهینه از منابع برای سودآوری، اندازه‌گیری اثرات زیست محیطی و ایجاد اعتماد در بین ذینفعان است. فعالیت‌های مسئولیت‌پذیر اجتماعی موجب ارتقای استانداردهای اخلاقی و اجتماعی در جامعه می‌شود و از این رو شرکت‌ها منابع بیشتری برای محدود کردن اثرات منفی زیست محیطی خود سرمایه‌گذاری می‌کنند. (ذبیح زاده و همکاران، ۱۳۹۹).

در نهایت، شرکت‌ها باید تلاش کنند تصویری اجتماعی مسئولیت‌پذیر برای ذینفعان خود ایجاد کنند، چرا که شکست در این زمینه پیامدهای منفی خواهد داشت. بسیاری از آژانس‌های رتبه‌بندی اجتماعی و زیست محیطی، عملکرد شرکت‌ها را ارزیابی و اطلاع‌رسانی می‌کنند. مطالعات بسیاری به دلایل مشارکت شرکت‌ها در توسعه پایدار پرداخته‌اند، ولی تعداد کمی از آن‌ها بر تأثیرات بر عملکرد پایداری شرکت‌ها تمرکز داشته‌اند. (السهانی و همکاران، ۲۰۲۳).

### **نظریه‌های مرتبط با سطح گزارشگری پایداری**

دلایل انتشار گزارشگری پایداری از دیدگاه تئوری‌های حسابداری از این منظر که تئوری‌های حسابداری زیربنا و شالوده گزارشگری مالی است، دارای اهمیت ویژه‌ای است که به شرح زیر بیان می‌گردد:

تئوری مشروعیت: اگر واحد اقتصادی در انجام دادن فعالیت‌های مورد انتظار جامعه ناکام بماند، نباید انتظار داشته باشد که جامعه مزبور مشروعیت آن را بپذیرد. لذا موفقیت واحد اقتصادی در گرو رعایت مفاد قرارداد اجتماعی است.

تئوری گروههای ذینفع: براساس این تئوری مدیریت تمام توجه خود را به انتظارات گروههای ذینفع و قدرتمند معطوف نموده چرا که این گروه ها بر منابع مورد نیاز واحد تجاری کنترل داشته، لذا در جهت تامین نظراین گروهها، مدیریت در زمینه اقتصادی، اجتماعی و حفظ محیط زیست اقدامات به انتشار گزارشهایی می نماید. تئوری پاسخگویی: از دیدگاه این تئوری سازمانها در قبال گروههای مختلف دارای مسئولیت هستند و باید به پاسخگویی پردازند. تئوری ریسک شهرت مدیریت: از این دیدگاه شهرت هر سازمانی دارای یک ارزش اقتصادی است و مدیران در ارتباط با فعالیتهای سازمان خود گزارش هایی را بصورت داوطلبانه منتشر میکنند تا بتوانند دیدگاه های گروه های ذینفع را جلب نمایند و از این طریق به ارزش سازمان خود بیفزایند. تئوری نمایندگی: با استفاده از این تئوری مدیران می توانند با انتشار اطلاعات درباره اثر عملکرد سازمان بر جامعه و محیط زیست بر ثروت کسب شده (مورد نظر مدیریت) اثر مثبت بگذارد (حسینی، ۱۳۹۷).

نظریه ذینفعان مفاهیمی را ارائه میدهد که چگونه انتظارات ذینفعان به وسیله بنگاههای اقتصادی مدنظر قرار گرفته و هدایت شود. این نظریه دارای شاخه های اخلاقی (دستوری) و مدیریتی است. شاخه اخلاقی بیان می کند که ذینفعان حق دارند تا سازمان با آن ها منصفانه رفتار کند و این موضوع به میزان تأثیرگذاری ذینفع در امور شرکت، ارتباطی ندارد؛ ذینفعان حقوق ذاتی دارند (به عنوان نمونه، کارکردن در شرایطی امن، پرداخت منصفانه و غیره) و این حقوق نباید مورد تعدی قرار گیرد. طبق شاخه مدیریتی هر چه ذینفعان برای سازمان مهم تر باشند تلاش بیشتری برای ایجاد رابطه با آن ها انجام میشود. سازمان به تمام ذینفعان به طور یکسان پاسخ نخواهد داد، بلکه فقط به آن دسته پاسخ میدهد که فرض میشود قدرتمند هستند. در واقع، قدرت ذینفعان و نیازهای اطلاعاتی آن ها می تواند سطوح و انواع افشا را تعیین کند. گروههای خاص ذینفعان میتوانند نسبت به دیگران در تقاضا برای افشا اطلاعات در مورد مسئولیت اجتماعی در اولویت باشند (خواجوی و اعتمادی، ۱۳۹۴).

شاخصهای سنجش عملکرد پایداری در سه بخش اقتصادی، اجتماعی و زیست محیطی قرار داده شده است. شاخصهای اقتصادی با تاکید بر پیامدهای مستقیم و غیرمستقیم اقتصادی سازمان، ذینفعان را مورد توجه قرار میدهد. شاخصهای ارزش افزوده اقتصادی برای ذینفعان و شاخصهای حضور در بازار، تعامل بین سازمان و بازارهای خاص را مورد بررسی قرار میدهد. شاخصهای زیست محیطی به مواردی از قبیل اثر سازمان بر سیستمهای طبیعی (اکوسیستم، آب و هوا، زمین) پرداخته و بر مبنای مفهوم چرخه عمر، مصرف منابع، آلودگی زیست محیطی، حمل و نقل و سایر عوامل استوار است. در حوزه عملکرد اجتماعی اثر سازمان بر سهامداران و ذینفعان در سطح محلی، ملی و جهانی مورد توجه بوده و شاخصهای اجتماعی بر داراییهای نامشهود سازمان از جمله منابع انسانی مانند نیروی کار، حقوق انسانی، سرمایه انسانی (دانش)، سرمایه سازمانی (خلاقیت و نوآوری) و توسعه اجتماعی نیز اثرگذار است. مرزهای اصول گزارشگری پایداری فراسوی مرزهای گزارشگری مالی سنتی توسعه یافته است. البته گزارشهای پایداری به عنوان یک منبع مزیت رقابتی هنوز به خوبی درک نشده است (مالش<sup>۱</sup>، ۲۰۱۳).

### **حسابداری سبز**

حسابداری سبز به عنوان یک شاخه نوین از حسابداری، به ارزیابی و گزارشدهی اثرات زیست محیطی فعالیت های سازمان ها می پردازد و هدف آن ترویج پایداری زیست محیطی در کنار بهبود شفافیت مالی است. به گفته گریف و همکاران (۲۰۲۱)، حسابداری سبز فرآیند شفاف سازی اطلاعات زیست محیطی از طریق گزارشدهی مالی است که به سازمان ها کمک می کند اثرات زیست محیطی فعالیت های خود را اندازه گیری و گزارش کنند تا تصمیم گیری های مالی آگاهانه تری اتخاذ شود. در این راستا، فان و همکاران (۲۰۲۰) معتقدند که حسابداری سبز به استفاده از تکنیک های حسابداری برای ارزیابی

اثرات فعالیت‌های اقتصادی بر محیط زیست پرداخته و هدف آن کاهش تأثیرات منفی زیست‌محیطی و ارتقای شفافیت در گزارش‌دهی زیست‌محیطی است. این دیدگاه به یکپارچه‌سازی ابعاد زیست‌محیطی در فرآیندهای حسابداری تأکید دارد. از سوی دیگر، جکسون و همکاران (۲۰۲۲) حسابداری سبز را به عنوان یک ابزار استراتژیک برای ارزیابی و مدیریت اثرات زیست‌محیطی در سطح شرکت‌ها و صنایع معرفی کرده‌اند و تأکید دارند که این رویکرد نه تنها به مدیریت اثرات محیطی بلکه به ایجاد ارزش بلندمدت برای سهامداران نیز کمک می‌کند. علاوه بر این، لی و همکاران (۲۰۲۳) حسابداری سبز را به عنوان رویکردی فراگیر معرفی می‌کنند که تمامی جنبه‌های اجتماعی، اقتصادی و زیست‌محیطی سازمان را در فرآیند گزارش‌دهی مالی وارد می‌کند و به عنوان ابزاری برای دستیابی به اهداف پایداری به کار می‌رود. این تعاریف نشان‌دهنده اهمیت ادغام ابعاد زیست‌محیطی در فرآیندهای حسابداری و گزارش‌دهی سازمان‌ها هستند که در نهایت به پایداری اقتصادی و زیست‌محیطی کمک می‌کند.

### انواع اطلاعات افشای حسابداری سبز

اطلاعات زیست‌محیطی که می‌توانند در گزارش‌های مالی شرکت‌ها افشا شوند، معمولاً به منظور ارزیابی تأثیرات زیست‌محیطی فعالیت‌های اقتصادی سازمان‌ها و همچنین تعهد آن‌ها به رعایت اصول پایداری و مسئولیت اجتماعی ارائه می‌شوند. این اطلاعات می‌تواند شامل موارد زیر باشد:

#### ۱. انتشار گازهای گلخانه‌ای

میزان انتشار دی‌اکسید کربن ( $CO_2$ ) و سایر گازهای گلخانه‌ای (مانند متان، نیتروژن اکسید و گازهای فلوروکربن‌ها) ناشی از فعالیت‌های تولیدی و صنعتی. تفکیک انتشار به ۱ Scope (مستقیم)، ۲ Scope (غیرمستقیم از مصرف برق) و ۳ Scope (غیرمستقیم از زنجیره تأمین).

#### ۲. مصرف انرژی

میزان مصرف انرژی از منابع مختلف (مانند برق، گاز طبیعی، نفت و انرژی‌های تجدیدپذیر).

نسبت مصرف انرژی‌های تجدیدپذیر به کل مصرف انرژی و اقدامات انجام‌شده برای افزایش استفاده از انرژی پاک.

شاخص‌های بهره‌وری انرژی مانند میزان انرژی مصرف‌شده به ازای هر واحد تولید (آنگیتا و همکاران<sup>۱</sup>، ۲۰۲۴).

### ۳. مدیریت پسماند

میزان پسماند تولید شده در فعالیتهای صنعتی و تولیدی.

نسبت پسماندهای بازیافت‌شده، پسماندهای دفع‌شده به محل‌های دفن، و پسماندهای خطرناک.

سیاست‌ها و روش‌های کاهش پسماند و بهبود فرآیندهای بازیافت و استفاده مجدد

### ۴. آلودگی آب و خاک

میزان مصرف آب در فرآیندهای تولیدی و برنامه‌های کاهش مصرف آب.

آلودگی آب ناشی از فاضلاب صنعتی و شیمیایی و میزان تصفیه فاضلاب پیش از تخلیه.

آلودگی خاک ناشی از فعالیتهای صنعتی و دفع نامناسب مواد شیمیایی و خطرناک.

شاخص‌های مدیریت منابع آب مانند میزان آب استفاده‌شده به ازای واحد تولید و

اقدامات برای کاهش اثرات زیست‌محیطی در این زمینه.

### ۵. آلودگی هوا

انتشار آلاینده‌های هوا مانند دی‌اکسید گوگرد (SO<sub>2</sub>)، اکسیدهای نیتروژن (NO<sub>x</sub>)، ذرات

معلق (PM) و سایر آلاینده‌های زیان‌آور برای محیط زیست.

اقدامات برای کاهش آلاینده‌ها از طریق استفاده از تکنولوژی‌های سبز و کنترل آلودگی.

## ۶. تأثیرات بر تنوع زیستی

ارزیابی و افشای تأثیرات فعالیت‌ها بر زیست‌بوم‌ها و تنوع زیستی، مانند اثرات تخریب جنگل‌ها، تخلیه زیستگاه‌های طبیعی، و نابودی گونه‌های زیستی. برنامه‌های بازسازی و جبران خسارت زیست‌محیطی.

## ۷. ریسک‌های زیست‌محیطی و انطباق با مقررات

افشای ریسک‌های زیست‌محیطی ناشی از تغییرات قوانین و مقررات زیست‌محیطی. گزارش میزان انطباق با استانداردهای بین‌المللی و محلی در حوزه محیط زیست (مانند ISO ۱۴۰۰۱).

## ۸. اقدامات مسئولیت اجتماعی در زمینه زیست‌محیطی

پروژه‌ها و برنامه‌های مسئولیت اجتماعی شرکت که با هدف بهبود پایداری زیست‌محیطی اجرا می‌شوند، مانند مشارکت در پروژه‌های کاهش کربن، بازسازی جنگل‌ها، و حمایت از انرژی‌های تجدیدپذیر. (آنگیتا و همکاران ۱، ۲۰۲۴).

## تئوری‌های مرتبط با افشای حسابداری سبز

افشای حسابداری سبز ۲: به فرآیند گزارش‌دهی شرکت‌ها در مورد اثرات زیست‌محیطی و پایداری فعالیت‌هایشان اشاره دارد. این نوع گزارش‌دهی شامل اطلاعاتی در مورد استفاده از منابع طبیعی، مدیریت پسماند، کاهش انتشار گازهای گلخانه‌ای، مصرف انرژی و تأثیرات دیگر زیست‌محیطی است. هدف اصلی حسابداری سبز کمک به شفافیت بیشتر در حوزه پایداری و ایجاد امکان مقایسه عملکرد زیست‌محیطی شرکت‌ها است. تئوری‌های مختلفی برای توضیح افشای حسابداری سبز مطرح شده‌اند که به تحلیل دلایل و منافع این افشا می‌پردازند:

### ۱. تئوری مشروعیت<sup>۳</sup>

۱-Anggita et al

۲-Green Accounting Disclosure

۳-Legitimacy Theory

این تئوری بیان می‌کند که شرکت‌ها برای حفظ مشروعیت و پذیرش اجتماعی، اطلاعات زیست‌محیطی را افشا می‌کنند. طبق این نظریه، سازمان‌ها باید طوری عمل کنند که فعالیت‌هایشان با انتظارات جامعه و ذینفعان منطبق باشد. اگر جامعه احساس کند که یک شرکت به محیط زیست آسیب می‌رساند، شرکت ممکن است از طریق افشای اطلاعات زیست‌محیطی مثبت سعی کند تا مشروعیت خود را بازسازی کند.

## ۲. تئوری ذینفعان<sup>۱</sup>

تئوری ذینفعان می‌گوید که شرکت‌ها نه تنها به سهامداران، بلکه به گروه‌های مختلف ذینفع مانند مشتریان، کارکنان، جوامع محلی و گروه‌های زیست‌محیطی پاسخگو هستند. افشای حسابداری سبز به عنوان ابزاری برای مدیریت و تأمین انتظارات این ذینفعان استفاده می‌شود. شرکت‌ها برای حفظ و بهبود روابط با این گروه‌ها و پاسخ به نگرانی‌های آنها، اطلاعات مرتبط با عملکرد زیست‌محیطی خود را افشا می‌کنند (دارتی و همکاران<sup>۲</sup>، ۲۰۲۴).

## ۳. تئوری علامت‌دهی<sup>۳</sup>

تئوری علامت‌دهی بیان می‌کند که شرکت‌ها از طریق افشای اطلاعات زیست‌محیطی، قصد دارند به بازار و سرمایه‌گذاران علامت دهند که عملکرد پایداری مناسبی دارند. این افشا به عنوان ابزاری برای متمایز شدن از رقبایی که اطلاعات کمی در زمینه پایداری و محیط زیست ارائه می‌دهند، استفاده می‌شود. هدف این تئوری جذب سرمایه‌گذاران، مشتریان و دیگر ذینفعان علاقه‌مند به مسائل زیست‌محیطی است.

## ۴. تئوری نهادی<sup>۴</sup>

---

۱-Stakeholder Theory

۲-Darti et al

۳-Signaling Theory

۴-Institutional Theory

براساس این تئوری، شرکت‌ها تحت تأثیر فشارهای نهادی (مانند مقررات دولتی، استانداردهای صنعتی، و فشارهای اجتماعی) قرار دارند و برای انطباق با این فشارها، اطلاعات زیست‌محیطی را افشا می‌کنند. این فشارها می‌توانند ناشی از قوانین زیست‌محیطی سختگیرانه، انتظارات مصرف‌کنندگان و یا استانداردهای صنعتی در حوزه پایداری باشند.

#### ۵. تئوری هزینه‌های سیاسی<sup>۱</sup>

این تئوری پیشنهاد می‌کند که شرکت‌های بزرگ و شرکت‌هایی که در صنایع حساس به محیط زیست فعالیت می‌کنند، به منظور کاهش هزینه‌های سیاسی مانند مالیات‌ها، جرایم یا فشارهای نظارتی، اطلاعات زیست‌محیطی را افشا می‌کنند. افشای این اطلاعات می‌تواند به کاهش ریسک‌های سیاسی و ایجاد تصویری مثبت در بین قانون‌گذاران و سیاست‌گذاران کمک کند.

#### ۶. تئوری مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها<sup>۲</sup>

این تئوری بر این ایده استوار است که شرکت‌ها مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی فراتر از منافع اقتصادی دارند. براساس این دیدگاه، افشای اطلاعات زیست‌محیطی نشان‌دهنده تعهد شرکت‌ها به مسئولیت اجتماعی خود و حفظ منابع طبیعی برای نسل‌های آینده است. این تئوری افشای حسابداری سبز را به عنوان یک وظیفه اخلاقی و اجتماعی شرکت‌ها در نظر می‌گیرد.

#### ۷. تئوری هزینه‌های نمایندگی<sup>۳</sup>

طبق این تئوری، تضاد منافع میان مدیران و سهامداران ممکن است باعث شود که مدیران تصمیماتی اتخاذ کنند که به نفع خودشان باشد، حتی اگر به ضرر محیط زیست باشد.

۱-Political Cost Theory

۲-Corporate Social Responsibility Theory

۳-Agency Theory

افشای اطلاعات زیست‌محیطی می‌تواند به کاهش این تضاد کمک کند و باعث شود که مدیران در جهت منافع کلی سهامداران و جامعه عمل کنند.

افشای حسابداری سبز یکی از ابعاد مهم گزارشگری شرکتی است که به شفافیت بیشتر در حوزه پایداری و مدیریت زیست‌محیطی کمک می‌کند. تئوری‌های مختلف هر یک از جنبه‌های مختلف دلایل و اهداف این افشا را توضیح می‌دهند و به تحلیل عملکرد شرکت‌ها در زمینه حفاظت از محیط زیست می‌پردازند (دارتی و همکاران ۱، ۲۰۲۴).

### **آینده افشای حسابداری سبز**

افشای حسابداری سبز به ارائه اطلاعات مالی و غیرمالی مربوط به تأثیرات زیست‌محیطی شرکت‌ها اشاره دارد. این افشا به مدیران، سرمایه‌گذاران، و ذینفعان کمک می‌کند تا علاوه بر معیارهای مالی سنتی، تصمیمات خود را براساس اطلاعات زیست‌محیطی اتخاذ کنند. آینده این حوزه با توجه به تحولات جهانی در زمینه تغییرات اقلیمی و پایداری، بسیار حیاتی و رو به رشد است. در ادامه، به برخی از روندهای کلیدی در آینده افشای حسابداری سبز اشاره می‌کنیم:

#### **۱. تشدید مقررات و استانداردها**

در سال‌های آینده، دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی به طور فزاینده‌ای به تنظیم مقررات مرتبط با حسابداری سبز خواهند پرداخت. سازمان‌هایی مانند هیئت استانداردهای بین‌المللی گزارش‌دهی مالی (IFRS) و بنیاد گزارش‌دهی جهانی (GRI) به تدوین استانداردهای مشخصی برای گزارش‌دهی اثرات زیست‌محیطی و پایداری خواهند پرداخت که شرکت‌ها را ملزم به ارائه اطلاعات دقیق‌تر و شفاف‌تر می‌کند.

#### **۲. افزایش فشار سرمایه‌گذاران**

سرمایه‌گذاران به طور فزاینده‌ای به معیارهای زیست‌محیطی، اجتماعی و حکومتی (ESG) توجه می‌کنند. در آینده، شرکت‌ها برای جذب سرمایه و جلب اعتماد سرمایه‌گذاران، مجبور خواهند شد اطلاعات جامع‌تری درخصوص اثرات زیست‌محیطی خود منتشر کنند. به ویژه صندوق‌های سرمایه‌گذاری و سرمایه‌گذاران نهادی به دنبال شرکت‌هایی هستند که عملکرد پایداری بالایی دارند (فرماندو و همکاران ۱، ۲۰۲۴).

### ۳. توسعه ابزارهای دیجیتال و فناوری‌های نوین

با پیشرفت فناوری‌های دیجیتال، شرکت‌ها قادر خواهند بود داده‌های محیطی را با دقت و سرعت بیشتری جمع‌آوری و تحلیل کنند. فناوری‌هایی مانند هوش مصنوعی، بلاک‌چین و اینترنت اشیا می‌توانند در فرایند افشا و گزارش‌دهی نقش کلیدی ایفا کنند. این ابزارها به شرکت‌ها کمک می‌کنند تا داده‌های زیست‌محیطی خود را به صورت لحظه‌ای و دقیق ثبت و گزارش کنند.

### ۴. افزایش تقاضا برای شفافیت و مسئولیت‌پذیری

ذینفعان از جمله مشتریان، کارکنان و سازمان‌های غیردولتی خواهان شفافیت بیشتر از سوی شرکت‌ها در رابطه با اثرات زیست‌محیطی و تلاش‌های آنان برای کاهش آنها هستند. این امر باعث خواهد شد که شرکت‌ها نه تنها در مورد سود مالی بلکه در مورد اثرات زیست‌محیطی فعالیت‌های خود نیز مسئولیت‌پذیر باشند و این اطلاعات را در قالب گزارش‌های سالانه منتشر کنند.

### ۵. تلفیق با استراتژی‌های کسب‌وکار

در آینده، حسابداری سبز بخشی جدایی‌ناپذیر از استراتژی کلی شرکت‌ها خواهد شد. این امر به این معناست که شرکت‌ها نه تنها به دنبال کاهش هزینه‌های زیست‌محیطی خود خواهند بود، بلکه از طریق نوآوری و بهره‌وری در منابع طبیعی، مزیت رقابتی خود

را افزایش می‌دهند. به عبارت دیگر، حسابداری سبز به یکی از عوامل اصلی تعیین‌کننده موفقیت بلندمدت شرکت‌ها تبدیل خواهد شد.

افشای حسابداری سبز به دلیل اهمیت روزافزون مسائل زیست‌محیطی در جهان، به یک ضرورت استراتژیک برای سازمان‌ها تبدیل می‌شود. در آینده، شرکت‌هایی که به‌طور فعال و دقیق اطلاعات زیست‌محیطی خود را افشا می‌کنند، می‌توانند مزیت رقابتی بیشتری کسب کنند و اعتماد ذینفعان خود را جلب کنند (فرماندو و همکاران ۱، ۲۰۲۴).

### تاریخچه حسابداری سبز شرکتی

حسابداری سبز شرکتی از دهه ۱۹۹۰ میلادی به‌عنوان یک حوزه تخصصی در حسابداری شکل گرفت. این مفهوم به‌عنوان پاسخی به نگرانی‌های فزاینده در مورد آسیب‌های زیست‌محیطی و نیاز به شفافیت در گزارش‌دهی مالی و غیرمالی شرکت‌ها در رابطه با مسائل زیست‌محیطی و اجتماعی معرفی شد (گری، ۲۰۲۱؛ شالتگر و بوری، ۲۰۲۲). در این دوره، تمرکز اصلی بر ارزیابی و گزارش‌دهی اثرات زیست‌محیطی فعالیت‌های تولیدی و صنعتی شرکت‌ها بود که می‌توانست به کاهش آلاینده‌ها و مصرف منابع طبیعی کمک کند.

در دهه ۱۹۹۰، مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها به‌عنوان بخشی از استراتژی‌های مدیریتی شرکت‌ها در نظر گرفته شد و این امر به تدریج باعث شکل‌گیری مفهوم حسابداری سبز شد. هدف این حوزه، شفافیت بیشتر در گزارش‌های مالی و اجتماعی شرکت‌ها بود (بوری و شالتگر، ۲۰۲۲). در آن زمان، نظریه‌ها و چارچوب‌های مختلفی برای کمک به شرکت‌ها در ارائه اطلاعات مربوط به تأثیرات زیست‌محیطی و اجتماعی تدوین شد که به‌طور خاص بر مدیریت منابع طبیعی، کاهش ضایعات و افزایش بهره‌وری انرژی تمرکز داشتند. از آن زمان تاکنون، با گسترش بحران‌های زیست‌محیطی و تغییرات اقلیمی،

اهمیت این حوزه بیشتر شده و بسیاری از شرکت‌ها در تلاشند تا با به‌کارگیری ابزارهای حسابداری سبز، به مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی خود عمل کنند (هیگینز و همکاران، ۲۰۲۱).

### **چالش‌های حسابداری سبز شرکتی در راستای پایداری**

حسابداری سبز شرکتی در راستای پایداری با چالش‌های مختلفی روبه‌رو است که می‌تواند تأثیرات آن را بر عملکرد شرکت‌ها و محیط زیست محدود کند. این چالش‌ها شامل مسائل تکنیکی، مدیریتی، فرهنگی و قانونی هستند که در ادامه به برخی از آنها اشاره می‌شود:

کمبود چارچوب‌ها و استانداردهای مشخص: یکی از بزرگترین چالش‌ها در پیاده‌سازی حسابداری سبز، نبود استانداردهای جهانی یکپارچه است. به دلیل نبود توافقات جهانی، شرکت‌ها نمی‌توانند به‌طور یکنواخت اثرات زیست‌محیطی خود را اندازه‌گیری و گزارش‌دهی کنند. این مسئله باعث می‌شود که معیارهای متفاوتی برای ارزیابی پایداری استفاده شوند، که در نتیجه مقایسه و تحلیل عملکرد شرکت‌ها مشکل می‌شود.

هزینه‌های اجرایی بالا: بسیاری از شرکت‌ها در ابتدا برای پیاده‌سازی حسابداری سبز با هزینه‌های زیادی روبه‌رو می‌شوند، که شامل هزینه‌های مربوط به آموزش کارکنان، به‌کارگیری سیستم‌های جدید و بازنگری در فرآیندهای موجود است. این هزینه‌ها به ویژه برای شرکت‌های کوچک و متوسط می‌تواند یک مانع جدی باشد.

مقاومت فرهنگی و سازمانی: در بسیاری از سازمان‌ها، تغییر در رفتارهای مدیریتی و پذیرفتن مسئولیت‌های اجتماعی و زیست‌محیطی با مقاومت‌هایی روبه‌رو است. بسیاری از مدیران ممکن است از دیدگاه کوتاه‌مدت به موضوع نگاه کنند و نگران باشند که هزینه‌های اضافی مرتبط با پایداری، سودآوری شرکت را کاهش دهد.

محدودیت در دسترسی به داده‌های دقیق و قابل اعتماد: یکی دیگر از چالش‌های اساسی، مشکل دسترسی به داده‌های زیست‌محیطی معتبر و دقیق است. بسیاری از شرکت‌ها

نمی‌توانند به اطلاعات کافی برای اندازه‌گیری تأثیرات زیست‌محیطی فعالیت‌های خود دسترسی پیدا کنند یا این اطلاعات ناقص و پراکنده هستند (هیگینز و همکاران، ۲۰۲۱). چالش‌های قانونی و نظارتی: هرچند که بسیاری از کشورها قوانین و مقرراتی برای حمایت از پایداری محیط‌زیستی دارند، اما این قوانین ممکن است در هر کشوری متفاوت باشد. این تفاوت‌ها می‌تواند برای شرکت‌های بین‌المللی که در چندین کشور فعالیت می‌کنند، مشکل‌ساز شود (بوری و شالتگر، ۲۰۲۲).

به‌طور کلی، باوجود اهمیت روزافزون حسابداری سبز برای دستیابی به پایداری، این چالش‌ها نیازمند توجه و حل شدن از سوی سیاست‌گذاران و مدیران شرکت‌ها است.

### **بحث و نتیجه‌گیری**

حسابداری سبز شرکتی به عنوان یک رویکرد جدید در حوزه حسابداری، به‌طور فزاینده‌ای در راستای تحقق اهداف پایداری اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی اهمیت پیدا کرده است. این رویکرد تلاش دارد تا فرآیندهای حسابداری را به‌گونه‌ای تنظیم کند که علاوه بر توجه به سودآوری مالی، اثرات منفی بر محیط‌زیست و جامعه را نیز در نظر گیرد. در دنیای امروز که تغییرات اقلیمی و مسائل اجتماعی به موضوعات روز تبدیل شده‌اند، استفاده از حسابداری سبز می‌تواند نقش مؤثری در ارتقاء مسئولیت‌پذیری اجتماعی و زیست‌محیطی شرکت‌ها ایفا کند.

حسابداری سبز شرکتی به‌ویژه در پیوند با مفاهیم پایداری، باعث شده است که بسیاری از شرکت‌ها و سازمان‌ها تلاش کنند تا علاوه بر رعایت استانداردهای مالی، معیارهای اجتماعی و زیست‌محیطی را نیز در نظر بگیرند. با این حال، یکی از چالش‌های عمده در پیاده‌سازی این رویکرد، کمبود استانداردهای جهانی یکپارچه است. بیشتر شرکت‌ها به دلیل عدم وجود چارچوب‌های واضح برای گزارش‌دهی اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی خود، در ارائه اطلاعات شفاف و قابل مقایسه با یکدیگر با مشکل روبه‌رو هستند. این

امر می‌تواند مانعی برای ارزیابی دقیق عملکرد پایداری شرکت‌ها و مقایسه آن‌ها در سطح جهانی باشد.

علاوه بر این، یکی از مشکلات اساسی که شرکت‌ها در راستای حسابداری سبز با آن مواجه هستند، هزینه‌های بالای پیاده‌سازی این رویکرد است. بسیاری از شرکت‌ها به دلیل نگرانی از افزایش هزینه‌ها و پیچیدگی‌های اجرایی، مقاومت‌هایی در برابر تغییرات ساختاری دارند. همچنین، ابهام در ارزیابی و اندازه‌گیری دقیق تأثیرات اجتماعی و زیست‌محیطی فعالیت‌های تجاری، به عنوان یکی دیگر از موانع مهم شناخته می‌شود. به‌ویژه در زمینه گزارش‌دهی زیست‌محیطی، نبود سیستم‌های ارزیابی دقیق و استاندارد می‌تواند باعث نارسایی‌هایی در تحلیل‌های اقتصادی و زیست‌محیطی شود.

با وجود این چالش‌ها، شواهد نشان می‌دهد که شرکت‌هایی که به‌طور فعال به حسابداری سبز پرداخته و پایداری را در استراتژی‌های خود لحاظ کرده‌اند، توانسته‌اند به مزایای قابل توجهی دست یابند. این شرکت‌ها نه تنها ریسک‌های زیست‌محیطی و اجتماعی را کاهش داده‌اند، بلکه از طریق بهبود روابط با ذینفعان، نظیر مشتریان، کارکنان و سرمایه‌گذاران، قادر به ایجاد مزیت رقابتی در بازار نیز شده‌اند. به علاوه، توجه به پایداری می‌تواند به عنوان یک عامل کلیدی در افزایش اعتبار اجتماعی و جذب سرمایه‌گذاران مسئولیت‌پذیر عمل کند.

در نهایت، برای موفقیت بیشتر در پیاده‌سازی حسابداری سبز، نیاز به همکاری‌های مؤثرتر میان دولت‌ها، نهادهای بین‌المللی و شرکت‌ها برای تدوین استانداردهای جهانی وجود دارد. ایجاد چارچوب‌های دقیق و معتبر برای گزارش‌دهی پایداری، به‌ویژه در حوزه زیست‌محیطی و اجتماعی، ضروری است تا شرکت‌ها بتوانند به‌طور مؤثرتر در راستای اهداف پایداری گام بردارند و از تأثیرات منفی زیست‌محیطی و اجتماعی کاسته شود. همچنین، فرهنگ‌سازی در سطح جهانی برای پذیرش حسابداری سبز به‌عنوان یک

رویکرد اقتصادی و اجتماعی پایدار، می‌تواند در تحول سازمانی و اقتصادی کمک شایانی کند.

در این راستا، چند پیشنهاد به منظور غلبه بر چالش‌ها و تسهیل پیاده‌سازی حسابداری سبز شرکتی ارائه می‌شود:

تدوین استانداردهای جهانی برای گزارش‌دهی پایداری: ایجاد چارچوب‌های استاندارد و جهانی برای ارزیابی و گزارش‌دهی اثرات زیست‌محیطی و اجتماعی، می‌تواند به شرکت‌ها کمک کند تا به‌طور مؤثرتری عملکرد خود را در زمینه پایداری گزارش دهند و در نتیجه موجب مقایسه بهتر میان شرکت‌ها شود.

ترویج فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی در سطح جهانی: دولت‌ها و نهادهای بین‌المللی باید فرهنگ مسئولیت‌پذیری اجتماعی و زیست‌محیطی را در شرکت‌ها ترویج کنند و آن‌ها را ترغیب کنند تا از حسابداری سبز برای بهبود عملکرد اجتماعی و زیست‌محیطی خود استفاده کنند.

تحقیق و توسعه در زمینه فناوری‌های پایدار: شرکت‌ها باید به سرمایه‌گذاری در فناوری‌های سبز و پایدار توجه بیشتری داشته باشند تا از طریق استفاده از تکنولوژی‌های نوین، بتوانند اثرات منفی خود بر محیط‌زیست را کاهش دهند.

ایجاد انگیزه‌های مالی برای شرکت‌های پایدار: دولت‌ها می‌توانند از طریق ایجاد مشوق‌های مالی و مالیاتی، شرکت‌ها را تشویق به پذیرش استانداردهای حسابداری سبز کنند. این مشوق‌ها می‌توانند شامل کاهش مالیات برای شرکت‌هایی باشد که به‌طور فعال در راستای پایداری فعالیت می‌کنند.

آموزش و ارتقای دانش مدیران و کارکنان: آموزش مستمر در زمینه حسابداری سبز و پایداری برای مدیران و کارکنان می‌تواند به آن‌ها کمک کند تا به‌طور مؤثرتر استراتژی‌های سبز را در سازمان‌ها پیاده‌سازی کنند و از مزایای آن بهره‌مند شوند.

در نهایت، حسابداری سبز می‌تواند به‌عنوان ابزاری مؤثر در راستای تحقق اهداف پایداری عمل کند و با ایجاد توازن بین نیازهای اقتصادی، اجتماعی و زیست‌محیطی، به ایجاد یک آینده پایدارتر کمک کند. پذیرش این رویکرد، به‌ویژه در سطح جهانی، می‌تواند به ایجاد تغییرات بنیادین در رفتار شرکت‌ها و جوامع منجر شود و در نهایت به بهبود کیفیت زندگی انسان‌ها و حفاظت از منابع طبیعی کمک کند.

## منابع

- حسینی، سیده زهره، یعقوب نیا، لیلا، حسینی، سیده شیما. (۱۳۹۷). بررسی ارتباط میان شهر هوشمند و توسعه پایدار. کنفرانس عمران، معماری و شهرسازی کشورهای جهان اسلام، تبریز.
- خواجوی، شکراله، اعتمادی جوریابی، مصطفی. (۱۳۹۴). مسئولیت اجتماعی شرکت‌ها و گزارشگری آن. فصلنامه حسابداری سلامت، ۲(۱۲)، ۱۰۴-۱۲۳.
- ذبیح زاده، عبدالله، طالبیان، مهدی، خانجانی، حسین، عبدی، مجتبی. (۱۳۹۹). حسابداری محیط زیست؛ مزایا و دلایل سودمندی آن. دومین کنفرانس ملی حسابداری، مدیریت مالی و سرمایه گذاری، گرگان، انجمن علمی و حرفه ای مدیران و حسابداران گلستان.
- Anggita, W., & Nugroho, A. A. (۲۰۲۲). Carbon emission disclosure and green accounting practices on the firm value. *Jurnal Akuntansi*, ۲۶(۳), ۴۶۴-۴۸۱.
- Ayinien, M., & Igitmai, E. (۲۰۲۲). Corporate commitment to sustainable development and its role in strategic management. *International Journal of Organizational Management and Sustainability*, ۱۵(۳), ۲۱۰-۲۲۵.
- Burritt, R., & Schaltegger, S. (۲۰۲۲). The role of corporate accounting in environmental sustainability. *Accounting and Environmental Management*, ۱۴(۱), ۳۳-۴۸.
- Darti, M. S. M., & Aziza, N. (۲۰۲۴). Green accounting as a mediation variable, and media exposure as a moderation variable in the relationship between profitability and CSR disclosure. *EKOMBIS REVIEW: Jurnal Ilmiah Ekonomi dan Bisnis*, ۱۲(۱), ۸۴۵-۸۶۰.
- Fernando, K., Jocelyn, H., Frista, F., & Kurniawan, B. (۲۰۲۴). The effect of green accounting disclosure on the firm value of listed mining and agriculture companies in Southeast Asia countries. *International Journal of Energy Economics and Policy*, ۱۴(۱), ۳۷۷-۳۸۲.
- Gereffi, G. (۲۰۲۱). Global corporate sustainability in the ۲۱st century. *Journal of Business Ethics*.
- Gray, R. (۲۰۲۱). *Environmental accounting: From theory to practice*. Routledge.
- Greenhouse Gas Protocol. (۲۰۲۲). Corporate value chain (Scope ۳) accounting and reporting standard. GHG Protocol.
- Grif, D., & colleagues. (۲۰۲۱). Green accounting: A framework for sustainable business management. *Journal of Environmental Accounting*, ۱۴(۲), ۲۳۴-۲۴۵.

- Higgins, C., Stubbs, W., & Gouldson, A. (۲۰۲۱). The role of accounting in environmental governance: A research agenda. *Accounting, Organizations, and Society*, ۴۵(۲), ۱۴۵-۱۶۷.
- Jackson, R., & colleagues. (۲۰۲۲). Strategic green accounting for environmental management and shareholder value. *Sustainability Management Review*, ۲۹(۳), ۳۱۴-۳۳۰.
- Lee, J., & colleagues. (۲۰۲۳). Green accounting: Integrating social, economic, and environmental dimensions. *Journal of Sustainable Accounting*, ۱۹(۵), ۱۹۹-۲۱۵.
- Lopez, A. A., & Jide, I. (۲۰۲۳). Green accounting: A fundamental pillar of corporate sustainability reporting. *Journal of Accounting and Financial Management*. <https://doi.org/10.56201/jafm.v9.no8>
- Malsch, B. (۲۰۱۳). Politicizing the expertise of the accounting industry in the realm of corporate social responsibility. *Accounting, Organizations and Society*, ۳۸, ۱۴۹-۱۶۸.
- Martínez, L., Pérez, M., & González, A. (۲۰۲۲). Corporate sustainability from the perspective of investors and markets: Effects on transparency and risk reduction.
- PricewaterhouseCoopers. (۲۰۲۰). Triple bottom line theory: Corporate sustainability in economic, social, and environmental dimensions.
- Schaltegger, S., & Burritt, R. (۲۰۲۲). *Corporate sustainability and environmental accounting: From green accounting to sustainability management*. Springer.
- Tiner, S., & Robertson, M. (۲۰۲۳). Environmental and social systems and corporate alignment with sustainable development goals.
- Van, H., & colleagues. (۲۰۲۰). Green accounting practices and environmental sustainability: A systematic review. *Environmental Sustainability Journal*, ۳۲(۴), ۴۵۵-۴۶۹.
- Warner, J. (۲۰۲۱). *Corporate social responsibility: Commitment to stakeholder rights and activities beyond legal requirements*.
- World Resources Institute. (۲۰۲۲). *The evolution of GHG accounting and corporate climate disclosures*. World Resources Institute.

## **Corporate Green Accounting toward Sustainability: A Review of Theoretical Approaches**

Alireza Heydari<sup>۱</sup>

Ali Lalbar<sup>۲</sup>

### **Abstract**

Corporate green accounting, as an emerging approach in accounting, focuses on the assessment and reporting of the environmental impacts of economic and business activities and plays a significant role in promoting sustainability within organizations. This review article examines various theoretical approaches to green accounting and its relationship with organizational sustainability. It first explores the historical background and evolution of green accounting and then analyzes major theories influencing this field, including institutional theory, stakeholder theory, and sustainability performance - based approaches.

In addition, the article investigates the relationship between green accounting and the different dimensions of sustainability - economic, social, and environmental - and demonstrates how this approach can assist companies in achieving their sustainability objectives. Finally, the findings of this review provide recommendations for researchers and managers aimed at improving environmental reporting and enhancing sustainable organizational performance. Drawing upon recent studies and developments in the field, the article introduces green accounting as a strategic tool for increasing transparency and evaluating the environmental and social impacts of corporate activities in pursuit of sustainable development.

**Keywords:** Sustainability, Green Accounting, Resource Management, Environmental Strategies

---

<sup>۱</sup> MSc Student in Accounting, Islamic Azad University, Arak, Iran

Email: [alirezahydV4@gmail.com](mailto:alirezahydV4@gmail.com)

<sup>۲</sup> Assistant Professor, Department of Accounting, Islamic Azad University, Arak, Iran

Email: [for\\_lalbar@yahoo.com](mailto:for_lalbar@yahoo.com)

